

عنوان مقاله:

رویکرد جغرافیایی به اخلاق محیط زیست در آنتروپوژئومورفولوژی باتأملی در فرهنگ ایرانی و آرای شیخ اشراق

محل انتشار:

سومین همایش ملی بزرگداشت سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

غلام حسن جعفری - عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان

نرجس شرفی - دانشجوی کارشناسی ارشد هیدروژئومورفولوژی دانشگاه زنجان

خلاصه مقاله:

از زمانی که انسان پا به عرصه هستی نهاد، برای رفع نیازهایش، ناگزیر با طبیعت رابطه برقرار نمود. انسان با ورود به طبیعت در جهت تأمین نیازهای خود با محدودیت هایی روبرو گردید و این روند تا سده های قبلادامه داشت. بعد از انقلاب صنعتی، انسان به خاطر بدست آوردن قدرت بیشتر، توانایی بیشتری برای تغییر دادن طبیعت در جهت رفع خواسته های خود بدست آورد. ادامه این روند به خطر انداختن طبیعت و منابعتبیعی را به همراه داشته است که در نتیجه نوع انسان را به عصیان در مقابل خود واداشته تا در ارتباط خود با طبیعت به نگرشی تازه مبنی بر حفاظت و مدارا با آن دست یابد. ریشه ارتباط انسان و محیط در علوم مختلف مانند جغرافیا، فلسفه، حکمت و محیط زیست جلوه گر است و در تفکرات حکمای باستان مانند افلاطون و ارسطو و اندیشمندان جدید مانند ژان بدن، منستیکو، الثورث هانتینگتن و... دیده می شود. یکی از اصلی ترین تعاریف جغرافیا رابطه متقابل انسان و طبیعت است. از واژه تقابل در این تعریف، سه مفهوم همکاری، تعامل و روبرویی برداشت می شود. رو در رو بودن، رابطه انسان با محیط را به خطر انداخته است یعنی انسان به جای همکاری و تعامل به روبرویی با طبیعت پرداخته و بحران های زیست محیطی را ایجاد کرده است. یکی از جلوه های این نوع بحران ها، آنتروپوژئومورفولوژیکاست که با اثرات ژئومورفولوژیکی انسان در طبیعت سرو کار دارد. عناصر طبیعت در دیدگاه زرتشت و فرهنگ ایرانی دارای حقیقتی پاک و آسمانی هستند و یکی از راههای تکامل انسان در این آیین پاسداشت تقدس و پاکی آنان است. آرای شیخ اشراق احیای حکمت ایرانیان باستان است، برخاسته از این نگرش است. شاید بتوان مبنای حکمی اخلاق زیست محیطی را از آرای شیخ اشراق استنباط نمود

کلمات کلیدی:

جغرافیا، حکمه الاشراق، سهروردی، آرمان شهر، زرتشت، اخلاق زیست محیطی، آنتروپوژئومورفولوژی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/189275>

